

آتش

روزنامه صبح ایران

دلایل چرخش حزب‌الله به سمت عربستان چیست؟

ایران، تعیین‌کننده آرایش جدید

در خاورمیانه

صفحه ۷



یادداشت



رمز پافشاری پزشکیان بر

انرژی تجدیدپذیر

به‌قلم: حسن مرادی

سقف نمایشگاه بین‌المللی تهران یا سالن‌های سازمان صداوسیما، محیط‌هایی طبیعی، کم‌گردوغبار و دارای راندمان بالا هستند. نصب پنل‌های خورشیدی روی چنین سقف‌هایی علاوه برتولید انرژی،موجب کاهش گرمای پشت‌بام، صرفه‌جویی در استهلاک و بهبود عملکرد ساختمان نیز می‌شود.

انرژی‌های تجدیدپذیرموضوع تازه‌ای نیست. امروزه در سراسر جهان، از عربستان سعودی گرفته تا هند و دیگر کشورها، دولت‌ها و بخش خصوصی تلاش می‌کنند سرمایه‌های عظیمی را به سمت تولید انرژی‌های پاک هدایت کنند؛ انرژی‌هایی که نه‌تنها سازگار با محیط زیست اند، بلکه از نظر اقتصادی نیز توجیه‌پذیر هستند و بازدهی بالایی دارند.

به عنوان یک کارشناس حوزه انرژی، ازهمان روزهای ابتدایی که بحث انرژی‌های تجدیدپذیر در سطح جهانی مطرح شد، این روند را دنبال می‌کردم و معتقدم استفاده از این حامل‌های انرژی بسیار مؤثر است. سال‌هاست که پنل‌های خورشیدی با راندمان حدود ۲۸ درصد در دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرند و اخیراً پنل‌های جدیدی با راندمان بالاتر، هم در حال تولید و هم در حال وارد شدن به بازار ایران هستند.

اگر با این فناوری‌های جدید و راندمان بالاتر، سرمایه‌گذاری مناسبی صورت گیرد (به‌ویژه با توجه به روند افزایش قیمت جهانی انرژی و پرداخت یارانه‌های سنگین در داخل کشور) هرگونه سرمایه‌گذاری در این حوزه نه‌تنها منجر به تولید انرژی پاک خواهد شد، بلکه در عمل به نفع دولت است؛ چرا که هر واحد انرژی پایی که خریداری می‌کند، به منزله صرفه‌جویی در پرداخت یارانه‌هاست.

از این رو، با نظر آقای پزشکیان موافقم که اگر بتوان سرمایه‌های کلان را به سمت توسعه انرژی‌های پاک هدایت کرد، بدون تردید به سود کشور خواهد بود.

برخی مکان‌ها ازنظر فنی بسیارمناسب بهره‌گیری از انرژی خورشیدی هستند. برای مثال، سقف نمایشگاه بین‌المللی تهران یا سالن‌های سازمان صداوسیما، محیط‌هایی طبیعی، کم‌گردوغبار و دارای راندمان بالا هستند. نصب پنل‌های خورشیدی روی چنین سقف‌هایی علاوه برتولید انرژی،موجب کاهش گرمای پشت‌بام، صرفه‌جویی در استهلاک و بهبود عملکرد ساختمان نیز می‌شود.

بهتر است طراحی سقف‌ها به‌گونه‌ای باشد که بخشی از استحکام و آب‌بندی سازه توسط پنل‌های خورشیدی تأمین شود. اگر شرکت‌های دانش‌بنیان کشور که شمار آن‌ها به چند هزار شرکت می‌رسد) در این زمینه فعال شوند و سرمایه‌گذاری کنند، بی‌تردید دستاوردهای درخشانی برای کشور به همراه خواهد داشت.

در آخرین سفری که در سال ۱۳۹۰ به دعوت شهید همدانی به سوریه داشتم، در اوج جنگ آن کشور، مشاهده کردم که استفاده از انرژی خورشیدی در سوریه از ایران نیز بیشتر است. همچنین در سفرم به چین و ترکیه در سال گذشته دیدم که این کشورها با شدت و جدیت بسیار از انرژی‌های تجدیدپذیر استفاده می‌کنند. خوشبختانه در سال‌های اخیر در جمهوری اسلامی ایران نیز حرکت روبه‌رشد و امیدبخشی در این زمینه آغاز شده است و امیدواریم نتایج پرباری به همراه داشته باشد.

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نه تنها می‌تواند به جبران ناترازی انرژی در کشور کمک کند،بلکه اگر این روند با تداوم و برنامه‌ریزی مناسب ادامه یابد، می‌تواند نقش بسزایی در تقویت انرژی پایدار ایفا کند.

یادداشت

آموزش حقوق به کودکان؛ زیربنای جامعه‌قانون‌مدار

کودکانی که از حقوق خود آگاه‌اند، در آینده شهروندانی متعهدتر، قانون‌مدارتر و مسئول‌تر خواهند بود. این آگاهی نه‌تنها ضامن کاهش خشونت در خانواده و مدرسه است، بلکه موجب ارتقای سلامت روانی در سطح جامعه می‌شود.

در جهان امروز، هیچ جامعه‌ای بدون حقوق و قانون قادر به بقا نیست. قانون نه صرفاً مجموعه‌ای از مقررات خشک، بلکه شالوده‌ای است که نظم اجتماعی، عدالت و امنیت بر آن استوار می‌شود. با این حال، آگاهی از حقوق و تکالیف قانونی، امری نیست که در بزرگسالی به سادگی حاصل شود؛ بلکه باید از دوران کودکی نهادینه گردد. آموزش حقوق به کودکان، در حقیقت سرمایه‌گذاری برای ایجاد نسلی قانون‌مدار، مسئولیت‌پذیر و آگاه است؛ نسلی که می‌داند در جامعه چگونه زندگی کند، از چه حقوقی برخوردار است و در برابر دیگران چه تکالیفی دارد. باوجود آن‌که برخی حقوق‌دانان بر پیچیدگی و فنی‌بودن دانش حقوق تأکید دارند و آن را برای فهم عمومی دشوار می‌دانند، واقعیت اجتماعی امروز اقتضا می‌کند که حقوق، از برج عاج تخصصی خود پایین آید و به زبانی ساده و قابل درک برای عموم، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، آموزش داده شود.

آموزش همگانی حقوق، نه‌تنها ترویج دانسته‌های قانونی، بلکه نوعی تربیت مدنی است که مهارت زیستن مسئولانه و آگاهانه را در بستر جامعه به

یادداشت

انقلاب سال ۵۷، آینده‌و جهان‌ما

شاعران و حکیمان و فیلسوفان، آشنایان زمان و سخنگویان تاریخند. ارسطو و سنت آگوستن و فارابی و دکارت و کانت در آثارشان نظرهای شخصی خود را اظهار نکرده اند، بلکه راهی را که تاریخ در آن می رفته از دور دیده و گزارش داده اند و البته به مقصد و غایت هم بی اعتنا نبوده اند. مردم معمولاً به مباحث فلسفه کاری ندارند اما نمی توانند به سیاست و آثار آن بی اعتنا باشند. سیاست هم دست از سر آنها بر نمی دارد. یکی از فیلسوفان سیاست و حقوق که آثار مهمی در نیمه اول قرن بیستم نوشت، کارل اشمیت بود. او در آن آثار، سیاست را میدان دشمنی و تمیز دشمن از دوست و تصمیم گیری در شرایط استثنایی دانست. با این تلقی از سیاست، تدبیر دیگر جایی ندارد. حکومت باید به فکر جنگ و مقابله با دشمن باشد و حتی به نتایج و ویرانی های جنگ نیاندیشد و شکست و پیروزی نیز در نظرش مهم نباشد. سیاست از این پس جنگ است. تا

«اتحادملت» پدیده تظاهر به خوشبختی در شبکه‌های اجتماعی را به چالش می‌کشد

خوشبختی‌نمایشی جایگزین زندگی واقعی

صفحه ۳

نقطه ضعف سیاست خارجی ایران

نبود صدای واحد در دیپلماسی

اظهارات کارشناسان مختلف شنیده می‌شود.

علی بیگدلی، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با اکوایران با نگاهی انتقادی به سیاست‌های گذشته و تأکید بر ضرورت بازنگری در راهبردهای منطقه‌ای ایران، از ضرورت اتخاذ رویکردی صلح‌جویانه، یکپارچگی در تصمیم‌سازی و فعال‌سازی دوباره مسیر دیپلماسی سخن گفت.

پس از برقراری صلح میان حماس و اسرائیل و فروکش کردن نسبی تنش‌ها در خاورمیانه، نگاه‌ها به موضع ایران و احتمال احیای مذاکرات دیپلماتیک معطوف شده است. جلال ساداتیان با تحلیل تحولات اخیر، تأکید کرد ایران در حال حاضر سیاست «صبر و نظاره» را در پیش گرفته و تا زمانی که شرایط بین‌المللی به سود کشور تغییر نکند، مذاکره را سودمند نمی‌داند.

شرح در صفحه ۳

با تولید روزانه یک میلیارد فوت مکعب در میدان جدید گازی یازن گامی بلند در راستای جبران کمبودها و ناترازی‌ها صفحه ۴	به بهانه ورود بورس به شاخص ۳ میلیون واحدی بررسی شد رشد بازار سرمایه تورمی است یا واقعی؟ صفحه ۵	سرنوشت بارش‌ها در پاییز ۱۴۰۴ چگونه است؟ بارش‌ها کمتر از حد نرمال صفحه ۸
---	--	---

سخن نخست

بهتر نیست "جبلی" را احضار کنید؟

اگر خود دادستان و قوهی قضاییه برای احضار خانم گوینده اقدام کرده که حسب سوابق مشابه، قابل درک است. ولی خدا کند به درخواست متولیان صدا و سیما نباشد. اظهارات خانم سادات هاشمی مجری سابق صدا و سیما، موجب واکنش دستگاه قضا شد. هم او را احضار کردند، هم مدیر رسانه‌ای که اظهاراتش را پخش کرده است.

به‌قلم: محمد‌مهدی سیدناصری



می‌دهد که آموزش مفاهیم حقوقی از دبستان، موجب کاهش رفتارهای پرخطرگانه، افزایش همدلی اجتماعی و تقویت مشارکت مدنی در آینده می‌شود. در ایران نیز، لازم است وزارت آموزش‌وپروش با همکاری وزارت دادگستری، نهاد ملی حقوق کودک، سازمان بهزیستی و سمن‌های تخصصی حوزه کودک، برنامه‌ای جامع برای گنجاندن آموزش حقوق کودک در نظام درسی تدوین کند. تولید محتوای آموزشی ساده و جذاب، تربیت معلمان آشنا با مبانی حقوق کودک، و مشارکت فعال خانواده‌ها در این فرآیند، سه محور بنیادین این تحول است.

کودکانی که از حقوق خود آگاه‌اند، در آینده شهروندانی متعهدتر، قانون‌مدارتر و مسئول‌تر خواهند بود. این آگاهی نه‌تنها ضامن کاهش خشونت در خانواده و مدرسه است، بلکه موجب ارتقای سلامت روانی در سطح جامعه می‌شود. زیرا جامعه‌ای که در آن کودکان احساس امنیت و کرامت می‌کنند، جامعه‌ای است که عدالت در آن نهادینه شده است. در حقیقت، آموزش حقوق به کودکان، تنها یک سیاست آموزشی نیست؛ بلکه یک ضرورت اخلاقی، اجتماعی و حقوق بشری است که آینده‌ی کشور را رقم می‌زند. اگر می‌خواهیم نسلی پرورش دهیم که به جای قانون‌گریزی، قانون‌باوری را سرلوحه‌ی زندگی خویش قرار دهد، باید از امروز آغاز کنیم. تغییر فردا، از آموزش امروز آغاز می‌شود.

گواهی بر این واقعیت است که جامعه ما همچنان به درک مفهومی از «کودک به‌مثابه شهروند» دست نیافته است. آموزش حقوق به کودکان، نخستین گام در جهت شکستن این چرخه است. کودکی که می‌آموزد دارای حق است، دیگر در برابر تبعیض و خشونت سکوت نمی‌کند. چنین کودکی در آینده به انسانی تبدیل می‌شود که نه تنها از حقوق خود دفاع می‌کند، بلکه حقوق دیگران را نیز محترم می‌شمارد. در واقع، آموزش حقوق، بذر اخلاق اجتماعی و نظم قانونی را در ذهن کودک می‌کارد. از منظر توسعه، هیچ کشوری بدون تربیت شهروندانی قانون‌مدار و مسئولیت‌پذیر به پیشرفت پایدار دست نمی‌یابد. آگاه‌بودن کودکان از مفاهیم حقوقی چون عدالت، برابری، کرامت انسانی، آزادی بیان و مسئولیت اجتماعی، به معنای شکل‌گیری جامعه‌ای است که قانون را نه از سر ترس، بلکه از سر باور و احترام رعایت می‌کند.

آموزش حقوق به کودکان، البته نباید به انتقال صرف مواد قانونی محدود شود. این آموزش باید بر مبنای روش‌های خلاقانه، بازی‌محور، مشارکتی و متناسب با سن کودک طراحی گردد؛ به‌گونه‌ای که کودکان در جریان فعالیت‌های آموزشی و گروهی، مفاهیمی چون احترام، عدالت، گفتگو، رعایت نوبت، و حل مسالمت‌آمیز اختلاف را تجربه کنند. تجربه‌های موفق جهانی در کشورهایی چون فنلاند، نروژ و ژاپن نشان

انسان‌ها می‌آموزد. در این میان، کودک به‌عنوان یکی از سه ضلع اصلی نظام آموزشی (در کنار معلم و ساختار آموزشی) باید در مرکز توجه سیاست‌گذاران و آموزشی قرار گیرد. کودک امروز، شهروند فرداست و میزان رشد و توانمندی حقوقی او، معیار سنجش بلوغ مدنی یک جامعه است. با این حال، در کشور ما هنوز حقوق کودک به‌صورت نظام‌مند در برنامه‌های درسی جایگاهی ندارد و گاه به حاشیه رانده می‌شود. این در حالی است که بر اساس ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (۱۹۸۹)، تمامی افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند و دولت‌ها موظف‌اند زمینه تحقق حقوق اساسی آنان را فراهم آورند. چهار اصل بنیادین این کنوانسیون-یعنی منع تبعیض، رعایت مصالح عالیهی کودک، حق بقا و رشد، و حق مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها ـ ستون‌های اصلی نظام حقوق کودک را تشکیل می‌دهند. تحقق این اصول، مستلزم آگاهی کودکان از حقوق خویش و توانایی مطالبه‌ی آن‌هاست؛ امری که بدون آموزش حقوقی از سنین پایین امکان‌پذیر نیست. در بسیاری از خانواده‌ها و مدارس، هنوز کودکان نه به‌عنوان صاحبان حق، بلکه به‌مثابه تابع و ملک بزرگسالان نگریسته می‌شوند. این نگرش سنتی، که ریشه در فرهنگ مالکیت پدرسالارانه دارد، زمینه‌ساز تضعیم حقوق کودکان و بروز رفتارهای خشن و تحقیرآمیز با آنان است. اخبار تلخ از آزار بدنی، تنبیه تحصیلی، و خشونت روانی علیه دانش‌آموزان،

به‌قلم: رضا داوری اردکانی



داشته باشد. فیلسوفان معاصر و از جمله والتر بنیامین و حنا آرنت، لئو اشتروس و جورجیو آگامبن و ... توجه خاص به نظر اشمیت داشتند و نقدهای آنها همه مهم است. اما به گمان من کارل اشمیت پایان تدبیر در سیاست را اعلام کرده و زمان را زمان کینه و جنگ دانسته و از آنچه می دیده ناراضی نیز نبوده است.

آیا جهان انسانی می تواند بدون سیاست -که آن را شر ضروری خوانده اند- امنیت و سامان داشته باشد؟ در جهان پر از کینه و دشمنی، صلح و صلاح و اصلاح و امید و آینده وجه و معنی ندارد و آدمیان کمتر به آینده می اندیشند. عمده کوشش ها هم دانسته و ندانسته، صرف دشمنی و جنگ می شود.

در این صورت عجب نیست که نیازهای اساسی و اصلی و اولی کشورها نیز جنگ افزار باشد. این وضع هرچه باشد، راهی به سلامت و صلاح و صلح و امنیت ندارد. جهان ما جهان بیگانگی با دوستی و امید است.

۵۷ از رأی اشمیت پیروی نکرده و شاید با آراء او آشنایی هم نداشته اند. انقلاب سال ۵۷ تقلیدی نبود و وقوعش ربطی به نظر اشمیت نداشت و از طرح سیاسی معینی پیروی نمی کرد. شاید بتوان گفت که چندان میانه ای با سیاست نداشت و به امر سیاست نام انقلاب و عمل انقلابی داد. انقلاب اسلامی حادثه‌ای بود که در زمان فروپستگی افق آینده تجدد در کشوری با وضع خاص ژئوپولیتیک و شرایط فرهنگی و اعتقادی مردمش می توانست روی دهد. نکته قابل تأمل این ست که در آثار کارل اشمیت نیز اشاراتی به پایان یافتن و در محاق رفتن سیاست شده است.

سیاست زمان ما را نه تدبیر، بلکه تکنیک راه می برد و آنجا که تکنولوژی تقلیدی و سست بنیاد باشد، سیاست هم دچار پریشانی می شود. اکنون در هیچ جای جهان، سیاست دائرمدار اداره امور نیست و چنانکه می بینیم و می دانیم کشوری قوی و قدرتمند است که در تکنیک دست بالاتر

آن زمان و قبل از روی کار آمدن نازیسزم در آلمان، وصف اشمیت از سیاست، مثال و مصداق خاص و معین نداشت. روی کار آمدن حزب نازی و تبدیل اتحاد جماهیر شوروی به قدرت بزرگ سیاسی و قرار گرفتنش در برابر قدرت غربی تا حدودی مؤید درک سیاسی این فیلسوف سیاست بود. اما آمریکا و حتی آلمان و شوروی هیچکدام درس‌های اشمیت را دستورالعمل سیاست قرار نداده و ضرورتی هم نداشته است که فلسفه را به شعار تبدیل کنند. اگر مارکس در زمان حیات خود پیروان بسیار داشت، از آن جهت بود که سازمان بین الملل کمونیست بر اساس آراء او تأسیس شد. پیروانش هم در حوادث سال های ۱۸۴۸ و ۱۸۷۰ فرانسه دخالت داشتند. کارل اشمیت را با مارکس نمی توان مقایسه کرد. اولین حکومتی که دستور کار و شعارش با نظر اشمیت مشابهت داشت، حکومت برآمده از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بود که در عمل، سیاست را میدان دشمنی دید و خود را در برابر دشمن یافت. پیداست که رهبران انقلاب سال